

دکتر باقرپور کاشانی



تاریخچه نظریه فرگشت!

تاریخچه نظریه فرکشت!

خب، به عنوان شروع در مورد همین بحث نظریه تکامل، یا ثبات انواع، من یکسری نکاتی را به عنوان تاریخچه عرض بکنم، بعد می‌رویم وارد آیات می‌شویم، آیات را بررسی می‌کنیم.

پیدایش این نظریه، نظریه تکامل، خب این‌گونه آورده در تاریخچه‌اش که فردی به اسم «لامارک» متوفی ۱۸۲۹ میلادی، «چارلز داروین» متوفی ۱۸۸۲ میلادی، در حقیقت بازار این نظریه را گرم کردند؛ و گرنه خیلی‌ها قائلند که این نظریه حتی رد پایش در فلسفه هم مطرح شده، نظریه‌ای که از قدیم خیلی‌ها بیان کردند، اما آن چیزی که بولد شد، مطرح شد، در زمان این جناب «لامارک» و «داروین» بود.

خب در بین مسلمان‌ها هم وقتی نگاه می‌کنیم که این‌ها (قرآن پژوهان) به دو گروه تقسیم شدند؛ گروهی طرفدار همین نظریهٔ تکامل، تحول و تبدل انواع، یعنی نوعی به نوع دیگری تبدل پیدا بکند، مثلاً ببینید ما در فلسفه که هست، می‌آیند چه کار می‌کنند؟ می‌آیند موجودات را توی دسته بندی می‌برند، می‌گویند ما جمادات داریم، نباتات داریم، حیوانات داریم و انسان داریم؛ هر کدام از این‌ها «نوع» هست.

حالا مثلاً وقتی که این‌جا صحبت می‌شود از نظریهٔ تبدل انواع، یا (ترانسفورمیسم - transformism) صحبت می‌شود، یعنی چی؟ یعنی مثلاً فرض بکنیم که انسان، از این نوع پایین‌تری از یک نوع مادون خودش، تبدل پیدا کرده، جهش پیدا کرده به یک نوع قوی‌تر؛ مثلاً حیوان؛ آمده گونه‌ای از حیوان تبدل پیدا کرده، جهش پیدا کرده، تبدیل به انسان شده است!

خب این طوری که مثلاً در تاریخ بیان می کنند و در تاریخ علم می آیند بیان می کنند، و به عنوان نظریه مطرح می کنند، می گویند که بله این انسان نوین، حدود ۲۰۰ هزار سال پیش، در شرق آفریقا فرگشت یافته؛ و به تعبیری این انسان امروزی، همان «هوموساپینس Homo sapiens» هست.

«هوموساپینس Homo sapiens»؛

«هومو Homo» انسان و بشر.

«ساپینس sapiens» را که مطرح می کنند یعنی خردمند.

منتها حالا این تبدیل بوده، و خب حالا انسان به همین صورت ادامه پیدا کرده، این را که می آیند مطرح می کنند می گویند خب بله، قبلش حالا مثلاً گونه‌ای از اقسام میمون‌ها و گوریل‌ها بوده، که این تبدیل پیدا کرده در ۲۰۰ هزار سال پیش، و خب مثلاً به این صورت در آمده.

خب این گونه آوردن که، اول روشن بشود واژه «تکامل» گاهی اوقات، با این آقایان که صحبت می‌کنیم می‌گویند آقا تکامل نگو! فرگشت بگو، نگو تکامل! خب این روشن بشود که اشکال واژه‌ای نداریم، تکاملی که آن‌ها مطرح می‌کنند، تکامل سلسله موجودات از تک سلولی نسبت به انسان است و این که تبدیل نوع پیدا می‌کند؛ اما تکاملی که کسانی که قائل به ثبات انواع هستند، مثلاً می‌گویند انسان تکامل جسمی پیدا می‌کند، مثلاً نطفه، علقه، عظام، جنین، به دنیا می‌آوری، بچه رشد می‌کند، بالاخره تکامل دارد پیدا می‌کند، اما جوهرش تغییر نکرده. یا مثلاً فرض بکنید تکامل روحی پیدا می‌کند، تکامل علمی پیدا می‌کند، تکامل اخلاقی پیدا می‌کند، آن مراد نیست.

بحث تکامل، یا فرگشتی که مطرح می‌شود همین تکامل سلسله موجودات از تک سلولی هست تا می‌رسد به این انسانی که اکنون در ارتباط با او هستیم.

خب این‌گونه آوردند که: «در قرن نوزدهم میلادی با ظهور لامارک و داروین، بحث در این مسئله به اوج رسید؛ طرفداران تکامل در ابتدا به دو دسته تقسیم شدند:

الف) کسانی که تکامل را بر تمام موجودات، حتی ماده و انرژی عمومیت می‌دهند.

ب) کسانی که آن را مربوط به موجودات زنده عالی، یعنی حیوان، یعنی گیاه، می‌دانند؛ و دانشمندان دسته اول به دو قسمت تقسیم می‌شوند، یعنی کسانی که تکامل را در تمام موجودات، ماده و انرژی، [در] موجودات مادی جاری و ساری می‌دانند به دو دسته تقسیم می‌شوند.

کسانی که می‌گویند نیرویی که منشا پیدایش مراحل تکامل در موجودات بوده، مافوق طبیعت و برتر از همه چیز است؛ آن چیزی که تکامل را به وجود می‌آورد در مورد همه اقسام ماده، یک حقیقت فرامادی هست؛ یعنی آن را می‌کشند وسط.

گروه دوم می‌گویند نه؛

هرچه هست و نیست در نهاد ماده نهفته است؛ این نهاد ماده‌ست که این‌طوری صیرورت پیدا می‌کند، یک حقیقت فرامادی نیست که این را بخواهد تکامل بدهد.

خب پس این تقسیم بندی بود که، کسانی که نظریه «تکامل انواع» یا «ترانسفورمیسم transformism» قبول دارند، این‌گونه آوردند.



[@aparat.com/be_sooye_zohoor](https://aparat.com/be_sooye_zohoor)



[v_bagherpour_kashani](https://www.instagram.com/v_bagherpour_kashani)



[@seratehagh1](https://t.me/seratehagh1)



[besouyezohour](https://www.besouyezohour.com)



[bagherpour-kashani.com/](https://www.bagherpour-kashani.com/)



[@serat12k](https://www.serat12k.com)



[youtube.com/c/seratehagh](https://www.youtube.com/c/seratehagh)



<https://naakhodaa.ir>